

# زندگانی حضرت رضا علیه السلام

(۸)

چون ذکر مناظرات علمی حضرت رضا (ع) و درج همه سخنان آن بزرگوار را از حوصله این نامه بیرون یافتیم لذا در شماره قبل مطالعه آنها را بسه بعضی از کتب اخبار مانند عیوان اخبار الرضا و احتجاج طبرسی و تاریخهایی که در شرح زندگانی حضرت رضا (ع) نوشته شده است معول داشتیم. اما عده ای از خوانندگان محترم این نامه اظهار علاقه نمودند که بر سهیل اختصار و اجمال هم که باشد بر قسمتی از آنها اطلاع حاصل کنند.

از اینجهت به درج قسمتی از آن گفتگوها که در مجالس علمی آنحضرت در مدت اقامت در شهر مرو یا دیگر شهرهای خراسان رویداده است مبادرت میشود. بطوریکه قبلا هم اشاره شد یکی از مجالس بزرگ که باین منظور و بنا بر درخواست مامون در مرو تشکیل یافت همان مجلس مناظره ای است که در آن علمای بزرگ زردشتی و ستاره پرستان ( صائبین ) و یهود و نصاری دعوت شده و حضرت رضا (ع) با هر یک از آنها بگفتگو و احتجاج پرداخته اند.

مقدمات تشکیل این اجتماع و منظور اصلی از آن در نامه قبل ذکر شد بهمین جهت به قسمت های بعدی آن میپردازیم

**مجلس مناظره.** چون مجلس مزبور از هر جهت آراسته شد مامون خطاب به بزرگ علمای نصاری نموده و اظهار داشت: « ای جا ثلیق این شخص را که می بینی پسر عم من علمی بن موسی بن جعفر (ع) از فرزندان فاطمه دختر پیغمبر (ص) و فرزند علمی بن ابی طالب (ع) است که از مدینه بیدار ما آمده و من دوست دارم که تو با او گفتگو و احتجاج نموده و از طریق انصاف عدول نکنی.

جا ثلیق در جواب مامون اظهار داشت یا امیر المؤمنین من چگونه با کسی محاجه

کنم که دلیل او بر من از کتابی است که من آنرا انکار دارم و از پیغمبری سخن  
بمیان آورد که هنوز بآن ایمان ندارم .

**حضرت رضا (ع)** - ای نصرانی اگر حجت و دلیل من از کتابی باشد که  
بآن اقرار دادی (انجیل) چگونه است !

**جائلیق** - اگر چنین باشد من چگونه میتوانم آنرا قبول نکنم . بخواه اقسام من  
بان اقرار خواهم کرد هر چند بضرر من تمام شود .

**حضرت رضا (ع)** پس پرس از آنچه خواهی و جواب آنرا درست بگویم .

**جائلیق** - شما در موضوع نبوت حضرت عیسی و کتاب او چه عقیده دارید .  
آیا چیزی از اندو را انکار میکنید ؟ -

**حضرت رضا (ع)** من به نبوت عیسی بن مریم و کتاب او معترف هستم و هم  
بانچه که او امت خود را بدان بشارت داده است . . .

همچنانکه حواریون نیز بان اقرار و اعتراف داشته اند .

اما این قسمت را هم بدان که ما به نبوت آن عیسی که از رسالت محمد و کتاب  
او (قرآن) بی خبر بوده و پیروان خویش را بآن دو مؤده و خیر نداده باشد اقرار  
نداریم .

در اینموقع جائلیق پرسید مگر نه آنستکه هرد عوی و حکمی بشهادت دو گواه عدل  
اثبات میشود ؟

**حضرت رضا (ع)** آری چنین است

**جائلیق** پس شما دو شاهد عادل برای نبوت پیغمبر خودتان (محمد ص) اقامه کنید  
من آنرا قبول کنم . اما این دو شاهد باید از کسانی باشند که گواهی آنها در میان  
ملت ما قابل قبول باشد . باین ترتیب اگر شما هم از من مانند آنرا بخواهید آنها  
را معرفی خواهم کرد .

**حضرت رضا (ع)** حال از در انصاف در آمدی چگونه است اگر من کسی را  
معرفی کنم که در دوران خود عیسی بسر میبرده آیا چنین شخصی را قبول خواهی  
کرد ؟

**جائلیق** اینچنین کس کیست و نام وی چیست ؟

**حضرت رضا (ع)** - نام او یوحنا دیلمی است .

**جائلیق** - بسیار خوب به به چه کسی را نام بردی این شخص از پیروان خاص

مسیح و دوست ترین مردم نزد او است .

**حضرت رضا (ع)** - من تورا بخدا قسم میدهم ایا نه چنین است که در انجیل شما آورده شده که همین یوحنا گوید مسیح مرا بدین محمد عربی (ص) خبر و بشارت داده و این محمد بعد از عیسی خواهد آمد من حواریون خود را بساین خبر مژده دادم و آنها هم باو ایمان آوردند .

**جائلیق** - این صحیح است یوحنا چنین خبری را از مسیح یاد نموده و به نبوت مردی بعد از خود نیز مژده داده است چنانکه از وصی و خاندان او هم سخنانی آورده اما او را مشخص نفرموده است که در کدام زمان خواهد آمد .  
همچنین از نام آنها ذکر نشده است که ما آنها را بشناسیم -

**حضرت رضا (ع)** - اگر ما کسی را معرفی کنیم که او انجیل را خوب بداند و نام محمد (ص) و اهل بیت او را نیز برای تو بخواند ایا آنوقت ایمان میآوری ؟  
**جائلیق** - البته این گفتاری است منطقی و استوار .

**حضرت رضا (ع)** - در حالیکه متوجه به نسطاس رومی که در آن مجلس حاضر بود گردیده فرمودند آیا تو باب سوم انجیل را چگونه خوانده ای و از برداری نسطاس من اگر آنرا خواننده باشم حفظ نکرده ام پس حضرت متوجه رأس الجالوت شده و پرسیدند ایا انجیل را خوانده ای ؟  
**رأس الجالوت** - بجان خودم که من انجیل را بسیار خوانده ام

**حضرت رضا (ع)** - باب سیم انجیل را میخوانم و تو انرا خوب گوش کن . اگر در آن ذکر از پیغمبر ما (محمد ص) و خاندان و امت وی باشد پس تصدیق کن و گرنه خیر .

در این هنگام **حضرت رضا (ع)** همان باب از انجیل را با نهایت فصاحت قرائت نمودند و چون بنام پیغمبر اسلام رسید در همانجا توقف فرمودند سپس متوجه مرد نصرانی (جائلیق) گردیده و گفتند تورا بعق عیسی و مادر او مریم قسم میدهم آیا من با انجیل دانا هستم یا نه ؟

**جائلیق** - آری حضرت رضا (ع) باز قسمت دیگر از انجیل را که در آن از محمد (ص) پیغمبر اسلام و اهل بیت (ع) و امت او یاد شده بود تا بآخر قرائت کرده و اضافه فرمود حال ای نصرانی چه جواب میگیری اگر اینها همه گفته مسیح بود و تو آنها را انکار میکنی پس نبوت موسی و عیسی را تکذیب کرده و چون بخدا و پیغمبران او و کتاب آنها کافر شدی کشتنت لازم آید .

**جائلیق** - من البته آنچه را بنظرم روشن شود که در انجیل و سایر کتب آسمانی ذکر شده هیچگاه انکار نمیکنم  
 در این هنگام باز حضرت رضا (ع) توجه به حضار مجلس نموده فرمودند بر اقرار وی گواه باشید .

### اظهار عجز دیگر جائلیق و تصدیق وی

حضرت رضا (ع) برای مرتبه دیگر خطاب بجائلیق فرموده و اظهار داشتند  
 پیرس از آنچه بغاطرت میرسد .

**جائلیق** - بمن خبر دهید که تعداد حواریون چند نفر بوده و علمای انجیل چه کسانی هستند ؟ -

### حضرت رضا (ع) - حال بحقیقت امر میرسی .

اما حواریون عیسی (ع) دوازده نفر بوده اند که از همه آنها داناتر الیوم میباشد و اما دانشمندان نصاری سه نفر بودند ۱ - **یوحنا یاکبر** که در بصره میزیسته است .  
 ۲ - **یوحنا وسط** که در قریسا بوده و سوم آنها **یوحنا دیلمی** که در (زجار) بسر میبرده است .

**یوحنا دیلمی** همان کسی است که ذکر پیغمبر ما و اهل بیت (ع) او و امتش نزد او رفت و هم او کسی بوده است که امت عیسی و موسی (بنی اسرائیل) را بآمدن آن پیغمبر مژده داده است . ای نصرانی بخدا قسم ما بآن عیسی ایمان داریم که او بمحمد (ص) و دین او ایمان آورده است .

در اینجا حضرت رضا (ع) بمنظوری که بعداً نتیجه آن اشکار شود بفرمایشات خود افزودند : ( چیزیکه ما را بخشم میآورد و از عیسی شما بما ناپسند آمده است همان سستی و کمی نماز و روزه او میباشد . . . )

**جائلیق** که از این سخن حضرت خشمگین گردیده بود دیگر نتوانست خودداری کند و چنین اظهار داشت

« بخدا قسم که علم خود را تباه و کار خود راست کردی چه آنکه من تا بحال شمارا از همه مردم مسلمان دانا تر میدانستم و اینچنین نسبتها چگونه بر عیسی روا باشد حضرت رضا (ع) - چگونه من علم خود را ضایع و کار راست کرده ام ؟ -

**جائلیق** - از آنجا که شما حضرت عیسی (ع) را بضعف و کمی روزه و نماز نسبت دادید ، در صورتیکه عبادتهای او معروف است و او روزها را بروزه و شبها را بعبادت و نماز بسر میبرده است .

حضرت رضا (ع) - عیسی نماز و روزه و سایر عبادت‌های خود را برای کس بهجا می‌آورده است ؟

جائلیق - بعد از اندکی فکر سکوت اختیار نموده و دیگر بهیچوجه سخنی نگفت .

حضرت رضا (ع) فرمود ای جائلیق آنچه که از من شنیدی قدرت و علم را از تو سلب کرد چنانکه بر دفع هیچیک موفق نیستی . اینها که گفتم در تورات و زبور و انجیل و فرقان آورده شده باین ترتیب هر کس که مرده رازنده و کور و کرمادرزاد را شفا بخشد یا بیس و دیوانه را خوب کند باید پرستش نمود ؟ یا اینکه میتوان او را بجای خدا دانسته و همه این قبیل اشخاص را عبادت کرد ؟ - ای جائلیق چه جواب داری و در این باب آیا چه باسخی بنظرت میرسد ؟ -

جائلیق - البته گفته شما و حق همانستکه آنرا بر زبان آوردی لا اله الا الله رأس الجالوت و گفتگو های او با حضرت رضا (ع) بعد از آنکه حضرت رأس الجالوت ( بزرگ علمای - یهود ) را مخاطب فرموده و اظهار داشتند - ای یهودی درست متوجه من باش - من تورا بتورات قسم میدهم که آیا در تورات شما خبر آمدن محمد ( ص ) و امت او را دیده اید - آیا در آن نوشته نشده که چون امت آخر پیروان شتر سوار آمدند آنها خدا را بجدیت بیشتری در مسجد ها و عبادتگاه ها پرستش کنند و تسبیح و عبادت‌های دیگر آنها تازگی خواهند داشت ، در آن هنگام باید که بنی اسرائیل بانها و ملک آنها پناهنده شوند تا دلها آرامش یابد . این اقوام دارای شمشیرهایی هستند که بدان وسیله از سایر کفار که در همه اقطار و ممالک عالم هستند انتقام گیرند ؟

آیا اینچنین کلماتی در تورات ذکر شده یا نه ؟

رأس الجالوت - آری ما این سخنان را در تورات می‌یابیم - . . .

برای مرتبه دیگر حضرت رضا (ع) از جائلیق نصرانی پرسیدند - شما کتاب شعیارا چگونه یافته اید ؟!

جائلیق - من آنرا درست میدانم و حرف بعرف خوانده‌ام .

پس توجه بهردوی آنها نموده و فرمودند « شما میدانید که این سخن از شعیاست » ( ای قوم من صورت کسی را میبینم که بر چهارپائی سوار شده و جامه‌ها از نور پوشیده است و نیز شتر سواری را مشاهده کردم که نور او مانند ماه

و قانبدگی آن باشد. جائلیق و راس الجالوت هر دو تصدیق کردند که شعیا  
این کلمات را گفته است \*

حضرت رضا (ع) - ای جائلیق تو از عیسی بیاد داری که گفته باشمن بجانب  
آفریدگار شما روانه شوم و فارقلیطا (محمد) خواهد آمد و او کسی است که برای  
من بحق گواهی دهد و او همان کسی است که همه چیز را تفسیر کند و  
هم او ستون کفر را درهم شکند \*

جائلیق - شما چیزها را از انجیل فروگذار نگریدید و ما بهمه آنها اعتراف داریم.  
حضرت رضا (ع) - ای جائلیق آیامیتوانی از انجیل اول خبر دهی که چه وقت  
آنها از دست داده‌اید از آن پس آنها نزد که یافته و چه کس این انجیل را برای  
شما آورده است ؟

جائلیق - ما فقط انجیل را یکروزه گم کردیم و از آن پس آنها نزد  
یوحنا و متی یافتیم \*

حضرت رضا (ع) - معلوم شد معرفت شما در باره انجیل اندک است \* اگر  
چنین بوده پس آنها را اختلاف از کجا است ؟ اگر این همان انجیل اول میبود  
نباید در آنها موارد اختلاف دیده شود \*

بدان هنگامیکه انجیل اصلی از میان رفت ملت نصاری نزد علمای خود گردآمده  
و اظهار داشتند که پیغمبر ما عیسی بن مریم کشته شد و ما انجیل را از دست داده‌ایم.  
شما که علمای بزرگ ما محسوب هستید آیا از آن چیزی بخاطر دارید ؟ . علمای  
شما از جمله لوقا و مرقا بوس گفتند انجیل در سینه‌های ما ضبط است \*

ما آنها در روزهای یکشنبه هر هفته قسمت به قسمت بر شما میخوانیم و شما آنها را  
ضبط کنید \* شما بر چنین امری اندوهناک نباشید و نباید که عبادتگاه‌ها را خالی  
گذارید \*

از آن بیمد چهار نفر که اسامی آنها لوقا، مرقا بوس، یوحنا و متی بود  
این انجیل‌ها را جهت شما ترتیب دادند و این چهار نفر از شاگردان علمای اول شما  
بودند \* آیا تو آنها بدین خصوصیت تا بحال شنیده بودی ؟

جائلیق - من تا این هنگام چگونگی آنها را نمیدانستم و از علم شما درباره انجیل  
بر من اموری روشن گردید

حضرت رضا (ع) - حال شهادت این چند نفر نزد شما چگونه باشد ؟ -

**چائلیق** - اینها بزرگان مامحسوب میشوند و شهادت آنها درست است و ماهرچه را که از آنها بدانیم قبول خواهیم داشت • پس **حضرت رضا (ع)** متوجه مسامون و سایر حضار گردیده و فرمودند بر اقرار او گواه باشد • • •  
 مأمون و همه حاضرین اظهار داشتند که ما شاهد هستیم •  
**حضرت رضا (ع)** - ای نصرانی من از تو می پرسم آنچه گفته شد و توشنیدی همینطور بود یا خیر؟

**جائلیق** - انکار من از اینجهت است که کسی که مرده را زنده ، و کور ، کور و پیس را شفا بخشد جز خدا ممکن است دیگری باشد؟

**حضرت رضا (ع)** - پس **الیسع پیغمبر و حزقیل نبی هم مانند عیسی مرده را زنده نمودند و پرروی آب راه میرفتند باید مردم اندو را نیز خدا دانند**  
 در صورتیکه پیروان آنها هیچگاه چنین اندیشه ای را در باره آنها نکردند

**حزقیل** در يك آن سی و پنجهزاد مرده را که یکصد سال از مرگ آنها میگذشت زنده کرد چنانکه در تورات هم آورده شده که این عده همگی از جوانان بنی اسرائیل بودند که که بخت النصر آنها را از میان اسیران اسرائیلی انتخاب کرده و آنان را از بیت المقدس که محل زدو خورد آنها بود به شهر بابل برده بود •  
 سپس خدای بزرگ **حزقیل پیغمبر** را بسوی آنها فرستاد و او همه را زنده کرد •  
 در این موقع **حضرت رضا (ع)** روی مبارک را بسمت رأس الجالوت ( بزرگ علما یهود )  
 نموده و فرمودند آیا نه چنین برد که ذکر آن در تورات رفته است • رأس الجالوت تصدیق کرد •

پس **حضرت رضا (ع)** دو مرتبه فرمود ای یهودی تو این سفر از تورات را بگیر تا من بخوانم . حضرت آیاتی چند از تورات را بطوری قرائت فرمودند که رأس الجالوت متحیر ماند و شیفته خواند آن بزرگوار گردید •  
 بعد از آن دیگر بار **حضرت رضا (ع)** رو بجائلیق نصرانی نموده و سخنانی باینمضمون ادا فرمودند

ای **جائلیق** من میخواهم از شما پرسم که آیا مردم پیش از حضرت عیسی بودند یا آنکه عیسی (ع) پیش از همه مردم بوده است؟

**راس الجالوت** - بلکه مردم پیش از حضرت مسیح بوده اند •

**(تقاضای قریش از پیغمبر اسلام .)**

**حضرت رضا (ع)** - عده ای از اعراب قریش در حضور پیغمبر خدا گرد آمده

و چنین درخواست کردند که بعضی از مردگانشان بوسیله دعای آنحضرت زنده شوند .  
 حضرت رسول هم **رو بهلی بن ابی طالب (ع)** فرموده و اظهار داشتند  
 « برو بقبرستان و نام گروهی از اموات را که آنها خواهند بصدای بلند بخوان و بگو  
 ایفلان و فلان محمد رسول پروردگار شما از شما خواسته است که باذن خدای عزوجل  
 از جای خود بر خیزید **علی ابن ابی طالب (ع)** هم چنان کرد که پیغمبر خواسته بود .  
 سپس همان اشخاص که سالها و ماه ها قبل مرده بودند از جا برخاسته و گرد خاک  
 از سر و روی خود می افشاندند و بعد از آن قریش از آنها مطالبی را که منظور بود  
 از آنها پرسیدند و آنها هم بصراحت خبر دادند که **محمد (ص)** به نبوت مبعوث شده  
 و اضافه کردند که ما هم دوست داشتیم زمان آن بزرگوار را درک کنیم و بسوی  
 ایمان آوریم ... »

باز حضرت رضا فرمود پیغمبر ما هم کور مادرزاد و دیوانه و اشخاص پیس را  
 مکرر شفا بخشید و با چهار پایان و پرندگان حرف زد و با همه اینها هیچگاه ما او را  
 بصدائی نگرهفتیم

نا تمام

دکتر رسا

علی علیه السلام

## من لم ینفک حیوته فعدده فی الموتی

زنده آنکس بود که از کرمش

مستمندان شوند بر خوردار

آنکه در زندگی نبخشاید

فرق آن زنده چیست با مردار

ساز آویز گوش جان چو کهر

پند نغزی ز حیدر کرار

هر که در زندگانش سودی

نرساند بخلق مرده شمار